

واکاوی مفهوم و ابعاد پایداری اجتماعی در فضاهای شهری

زهرا ارسیان^۱، امیر قهرمان پوری^{۲*}، سپیده صداقت نیا^۳

۱- گروه معماری، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

z.arasian@iau.ir

۲- گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران. (نویسنده مسئول)

amir.ghahraman@iau.ac.ir

۳- گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران.

sepideh_ft10@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۶/۱۹]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۴/۸]

چکیده

پایداری اجتماعی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، مفهومی چندبعدی، پویا و در حال تحول است که به روابط اجتماعی، انسجام جمعی، عدالت اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در فضاهای شهری می‌پردازد. این مفهوم، فراتر از تعامل میان انسان‌ها، بر رابطه‌ی متقابل شهروندان با محیط کالبدی و اجتماعی خود تأکید دارد و بر ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی، روانی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان و تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی در شهر تأکید می‌کند. در واقع، پایداری اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که تمامی گروه‌های اجتماعی از فرصت‌های برابر برای حضور، مشارکت و بهره‌مندی از منابع و خدمات شهری برخوردار باشند. در دهه‌های اخیر، افزایش نابرابری‌های اجتماعی، گسست ارتباطات محلی و کاهش حس تعلق به مکان، ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی توسعه شهری را بیش‌ازپیش آشکار کرده است. از این‌رو، برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید از تمرکز صرف بر جنبه‌های کالبدی و اقتصادی فاصله گرفته و به ابعاد انسانی و اجتماعی توجه کند. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی-توصیفی و تحلیل محتوای بیش از ۱۵۰ منبع معتبر داخلی و بین‌المللی، به بررسی ابعاد مفهومی پایداری اجتماعی و شناسایی شاخص‌های مرتبط با آن پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص‌هایی نظیر ایجاد فضاهای عمومی فراگیر و ایمن، تحقق عدالت در توزیع منابع، تقویت مشارکت مدنی، افزایش امنیت روانی، ارتقاء کیفیت زندگی و حفظ هویت فرهنگی، از مؤلفه‌های کلیدی پایداری اجتماعی محسوب می‌شوند. دستیابی به این اهداف نیازمند همکاری میان نهادهای دولتی، مدیریت شهری، طراحان فضا و مشارکت فعال شهروندان است تا شهری انسانی‌تر، عدالت‌محورتر و پایدارتر شکل گیرد.

کلیدواژه: پایداری اجتماعی، فضای شهری، کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، طراحی شهری.

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم پایداری به یکی از اصول بنیادین در حوزه‌های مختلف توسعه، به‌ویژه در برنامه‌ریزی و طراحی شهری تبدیل شده است. درحالی‌که ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی پایداری معمولاً مورد توجه قرار می‌گیرند، بُعد اجتماعی آن اغلب نادیده گرفته شده یا با ابهام مفهومی روبه‌روست. این در حالی است که پایداری اجتماعی نقش حیاتی در تضمین عدالت، انسجام و رفاه بلندمدت جوامع ایفا می‌کند. گزارش‌هایی مانند دتلر^۱ (1997) و پژوهش‌های متعددی از جمله پولس و استرن^۲ (۲۰۰۰)، یفتاچل و هیچکاک^۳ (۱۹۹۳) و مک‌کنزی^۴ (۲۰۰۴) بر اهمیت مشارکت اجتماعی، برابری و کیفیت زندگی در پایداری اجتماعی تأکید کرده‌اند. با وجود این، هنوز اجماع روشنی در مورد تعریف دقیق این مفهوم و نحوه اندازه‌گیری آن وجود ندارد.

از منظر عملی، رویکردهای مختلفی برای ایجاد و حفظ پایداری اجتماعی از طریق شاخص‌های کمی و کیفی ارائه شده است. این شاخص‌ها، از عدالت در توزیع و برابری در دسترسی به خدمات گرفته تا انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی، بازتاب‌دهنده پیچیدگی و چندبعدی بودن این مفهوم‌اند. همچنین، تحول رویکردها از اصول پایه‌ای و شاخص‌های سنتی به شاخص‌های ترکیبی و زمینه‌محور، بیانگر تغییر نگرش از تحلیل ایستا به ارزیابی پویا و آینده‌نگر در مواجهه با این مفهوم در حوزه‌های پژوهشی و علمی تا عرصه‌های حرفه‌ای و سیاست‌گذاری شهری است.

با توجه به رشد روزافزون چالش‌های اجتماعی در بستر فضاهای شهری، از جمله نابرابری فضایی، طرد اجتماعی و کاهش مشارکت مدنی، بررسی عمیق‌تر ابعاد نظری و کاربردی پایداری اجتماعی بیش‌ازپیش ضرورت یافته است (Ghahramanpouri et al., 2013). هدف این مقاله، تحلیل تحولات مفهومی پایداری اجتماعی، شناسایی مؤلفه‌های کلیدی آن و بررسی نقش این مؤلفه‌ها در برنامه‌ریزی و طراحی شهری با تأکید بر عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی در مقیاس محلی است.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

اگرچه تلاش برای شناخت بیشتر پایداری اجتماعی منجر به شکل‌گیری بدنه‌ای از ادبیات نوظهور در این حوزه شده است، اما همچنان درک ما از این مفهوم مبهم است و با محدودیت‌های نظری و روش‌شناختی مواجه است که ناشی از زمینه‌های مختلف، تعاریف و شیوه‌های اندازه‌گیری وابسته به این حوزه هستند. در سطح پایه، هنوز سؤالات بسیاری باقی است؛ از جمله اینکه آیا باید پایداری اجتماعی را به‌عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی برای توسعه پایدار در نظر بگیریم، یا اینکه نیاز به تعریف مقررات، ساختارها و آداب خاصی در میان جوامع علمی و اجتماعی دارد (Colantonio, 2010).

بیشتر بحث‌های پیرامون این مؤلفه نوظهور توسعه پایدار، عمدتاً در رشته‌های مرتبط با مسائل شهری گسترش یافته‌اند (Davidson, 2009). طبق ادبیات موجود، پایداری اجتماعی در مقیاس‌های کوچک‌تری از محیط‌های ساخته‌شده مانند میداين یا خیابان‌ها به‌عنوان یک شکاف تحقیقاتی شناسایی شده است (Secher, 2014; Ghahramanpouri, et al., 2013). به‌ویژه در حوزه تحرک شهری، نادیده گرفتن ابعاد اجتماعی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، پیامدهای گسترده‌ای برای کیفیت زندگی شهروندان دارد. در همین راستا، گراند-آیالا و همکاران^۵ (۲۰۲۴) با معرفی چارچوب «پایداری اجتماعی در تحرک شهری»^۶ تلاش کرده‌اند معیارهایی برای بهبود دسترسی، تحقق عدالت اجتماعی و نهادینه‌سازی سیاست‌ها ارائه دهند.

1 DETR

2 Pouls and Stern

3 Yiftachel and Hetchcock

4 McKenzie

5 Grande-Ayala et al

6 Social Sustainability in Urban Mobility (SSUM)

پایداری اجتماعی به‌طور کلی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه پایدار، مانند ابعاد اقتصادی، محیط‌زیست، در گفتمان سیاست‌گذاری به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است (Smith, 2000). لیتینگ و گریسلر^۱ (۲۰۰۵) اظهار می‌کنند که رویکردها به پایداری اجتماعی بیشتر مبتنی بر درک عملی از معقولیت و برنامه‌های سیاسی فعلی هستند تا بر پایه نظریات تئوری، برای اولین بار، تعریف اولیه توسعه پایدار در گزارش برون‌داند معرفی شد که به‌عنوان «توسعه‌ای که نیازهای حال حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود برآورده می‌کند» برجسته شد (Brundtland, 1987). این گزارش پیشنهاد می‌کند که هدف پایداری اجتماعی باید حفظ محیط‌زیست از طریق توسعه اقتصادی و کاهش فقر باشد، اما هیچ راهکار عملی مشخصی را ارائه نمی‌دهد (Landorf, 2011).

اسپانگنبرگ و اومان^۲ (۲۰۰۶)، سه دیدگاه تحلیلی را که در بحث‌های پایداری اجتماعی مطرح است، شناسایی کردند. این دیدگاه‌ها شامل رویکرد کارکردی که در مطالعات پایداری روستایی، شهری یا اجتماعی رایج است، رویکرد سرمایه که به دیدگاه‌های اقتصادی مربوط می‌شود و رویکردهای سیستمی که هر حوزه را به‌عنوان سیستمی با قابلیت بازتولید می‌نگرد. با این وجود، ون در والت^۳ (۲۰۲۴) همچنان بر فقدان چارچوب مفهومی جامع برای تبیین ابعاد اجتماعی توسعه پایدار تأکید دارد؛ امری که حتی در اسناد بین‌المللی مانند گزارش برون‌داند و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل^۴ نیز به شکلی منسجم دیده نمی‌شود.

از دیدگاه ساکس^۵ (۱۹۹۹)، توسعه اجتماعی-اقتصادی یک فرآیند تاریخی و مداوم است که تا حدودی به تخیل، پروژه‌ها و تصمیمات انسانی وابسته به محدودیت‌های محیطی و بار زندگی گذشته بستگی دارد. در همین راستا، پژوهش‌های نوینی مانند مطالعه دو فاین لیخت و دنالوف^۶ (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که تعاریف موجود از پایداری و پایداری اجتماعی اغلب فاقد معیارهای صریح برای ارزیابی‌اند. آن‌ها با ارائه چارچوبی رسمی و نه شرط کفایت، کوشیده‌اند تعریفی نظام‌مند و بهبود یافته ارائه دهند که از کاستی‌های گذشته پرهیز کند.

پایداری اجتماعی در محیط شهری تعریفی جامع دارد که بر ابعاد اقتصادی (توسعه) و اجتماعی (جامعه مدنی، تنوع فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی) تأکید می‌کند. این مفهوم به تنش‌ها و مبادلات میان توسعه و فروپاشی اجتماعی در چارچوب توسعه پایدار می‌پردازد و نقش محیط فیزیکی، از جمله مسکن، طراحی شهری و فضاهای عمومی را برجسته می‌سازد. همچنین، تفسیرهای پایداری اجتماعی که بر برابری و عدالت اجتماعی تمرکز دارند، می‌توانند به شهرها در توزیع عادلانه منابع و ایجاد چشم‌اندازی پایدارتر کمک کنند (Ansell, Thompson & Fawcett, 2008). با این حال، همچنان چالش‌هایی در زمینه عملیاتی‌سازی این مفهوم وجود دارد. هافستاد^۷ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که ادبیات پایداری اجتماعی در دو موج اصلی در حال تحول است: موج نخست که به تعریف و طبقه‌بندی مفهومی پرداخته و موج دوم که به پیاده‌سازی عملی و چالش‌های آن توجه دارد. بر این اساس، پایداری اجتماعی پدیده‌ای پویا و چندبعدی است که نیازمند رویکردهای انعطاف‌پذیرتر و جامع‌تر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری است.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش به‌منظور بررسی و واکاوی مفهوم و ابعاد پایداری اجتماعی در فضاهای شهری، از رویکردی کیفی بهره برده است. روش تحقیق شامل دو بخش اصلی است: مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا. در این مرحله، منابع علمی معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات

1 Littig & Griessler

2 Spangenberg & Omann

3 Van der Waldt

4 SD Sachs Gs

5 Sachs

6 De Fine Licht & Folland

7 Hofstad

پژوهشی و گزارش‌های تخصصی مرتبط با پایداری اجتماعی و فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفتند. هدف از این بخش، شناسایی تعاریف، شاخص‌ها و چارچوب‌های نظری مرتبط با پایداری اجتماعی و استخراج مفاهیم کلیدی بوده است. تحلیل کیفی داده‌های گردآوری شده از مطالعات پیشین، برای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پایداری اجتماعی در فضاهای شهری به کار گرفته شد. این روش با تمرکز بر کشف الگوها و روابط میان مفاهیم، به منظور ارائه یک چارچوب جامع و کاربردی برای این حوزه استفاده شده است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل ابعاد پایداری اجتماعی در فضاهای شهری و استخراج شاخص‌های نظری و کاربردی، از روش تحقیق کیفی-توصیفی سیستماتیک بهره برده است. رویکرد انتخاب منابع و تحلیل داده‌ها به گونه‌ای طراحی شده است که قابلیت بازتولید و شفافیت فرآیند تحقیق را تضمین کند و جامعیت مفهومی و کاربردی پژوهش را ارتقا دهد (این پژوهش، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری با عنوان «طراحی پویون شهری با رویکرد ارتقای پایداری اجتماعی در شهر تهران» است).

۱-۳- پایگاه‌های داده و منابع

برای جمع‌آوری داده‌ها، منابع فارسی و انگلیسی از پایگاه‌های علمی معتبر زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

پایگاه‌های بین‌المللی: Scopus، Web of Science، ScienceDirect، Google Scholar

پایگاه‌های فارسی: مگیران، نورمگز، ایرانداک و سیویلیکا.

۲-۳- جمع‌آوری و انتخاب مقالات

تعداد مقالات شناسایی شده: ۷۲۹ مقاله (۶۴۲ انگلیسی و ۸۷ فارسی)

کلیدواژه‌ها: Social Sustainability، Urban Design، Public Space، Urban Social Indicators

معیارهای ورود مقالات:

- ✓ ارتباط مستقیم با پایداری اجتماعی و طراحی شهری
- ✓ انتشار در ژورنال‌ها و ناشران معتبر (Q1-Q3)
- ✓ بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ برای تمرکز بر رویکردهای معاصر
- ✓ ارائه شاخص‌ها یا چارچوب‌های نظری قابل استفاده
- ✓ تعداد مقالات منتخب برای تحلیل: ۱۵۲ مقاله

۳-۳- دسته‌بندی دقیق مطالب

مقالات منتخب بر اساس ابعاد کلیدی و محتوای اصلی دسته‌بندی شدند تا امکان تحلیل دقیق‌تر مفاهیم و شاخص‌های پایداری اجتماعی فراهم شود. دسته‌بندی‌ها شامل موارد زیر است:

جدول ۱: دسته‌بندی مطالب (مأخذ: نگارندگان)

دسته‌بندی	تمرکز و محتوا
تعاریف و چارچوب‌های نظری	مفاهیم بنیادین پایداری اجتماعی، عدالت، مشارکت، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و هویت محلی
شاخص‌ها و معیارهای سنجش	شاخص‌های کمی و کیفی پایداری اجتماعی، شاخص‌های سنتی و مدرن، معیارهای دسترسی، رفاه، مشارکت و سرمایه اجتماعی
تحلیل کاربردی در فضاهای شهری	نقش طراحی شهری در تحقق پایداری اجتماعی، فضاهای عمومی، عدالت فضایی، تاب‌آوری و امنیت
تحول مفهومی و تاریخی	مقایسه رویکردهای سنتی و معاصر پایداری اجتماعی، تغییر شاخص‌ها از کمی به کیفی و ذهنی
مطالعات موردی و تجربیات عملی	نمونه‌های عملی از شهرهای مختلف، سیاست‌گذاری محلی و برنامه‌های مرتبط با ارتقای پایداری اجتماعی

۳-۴- تحلیل محتوا

تحلیل مقالات منتخب با استفاده از تحلیل محتوای کیفی سه مرحله‌ای انجام شد:

۱. کدگذاری باز: شناسایی مفاهیم و شاخص‌های کلیدی در مقالات
۲. کدگذاری محوری: گروه‌بندی مفاهیم مشابه در ابعاد کلان (عدالت اجتماعی، مشارکت، کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی)
۳. کدگذاری انتخابی: ادغام یافته‌ها برای ارائه چارچوب جامع شاخص‌ها و راهکارهای عملیاتی پایداری اجتماعی در طراحی

شهری

۳-۵- اعتبار و قابلیت بازتولید

- ✓ شفافیت معیارهای ورود و خروج مقالات و مراحل تحلیل، قابلیت بازتولید پژوهش را تضمین می‌کند.
- ✓ دسته‌بندی دقیق مطالب و استخراج شاخص‌ها، امکان کاربرد مستقیم در سیاست‌گذاری و طراحی شهری را فراهم می‌کند.

۴ - یافته‌ها

پایداری اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار، به تعامل میان عوامل اجتماعی، محیطی و اقتصادی پرداخته و بر تضمین کیفیت زندگی برای نسل‌های حاضر و آینده تأکید دارد. این مفهوم با برابری اجتماعی، مشارکت، انسجام اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مرتبط است. با این حال، چالش‌هایی مانند نبود تعریف دقیق، دشواری در اندازه‌گیری مفاهیم ناملموس مانند حس تعلق و انسجام اجتماعی وجود دارد. راهکارهایی مانند طراحی شهری برای تقویت تعاملات اجتماعی و ادغام سیاست‌های شهری با رویکردهای پایداری اجتماعی می‌توانند به ایجاد شهرهایی عادلانه‌تر و هماهنگ‌تر کمک کنند (فدایی مهربانی و بنی‌اسدی باغمیرانی، ۲۰۲۵). تحلیل داده‌ها نشان داد که تحقق پایداری اجتماعی نیازمند توجه هم‌زمان به شاخص‌های کمی و کیفی است؛ شاخص‌های کمی مانند دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و حمل‌ونقل عمومی و شاخص‌های کیفی مانند حس تعلق به مکان، سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری و عدالت فضایی. این دو نوع شاخص مکمل یکدیگرند و تنها با ترکیب آن‌ها می‌توان تصویر دقیق و عملیاتی از پایداری اجتماعی ارائه داد.

تعاریف نظری پایداری اجتماعی بر چارچوب‌های مفهومی متمرکز بوده و پایه‌ای برای درک علمی و فلسفی این مفهوم فراهم می‌کنند. این تعاریف به ابعادی مانند عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و هویت محلی می‌پردازند. همچنین، رویکردهای مبتنی بر حقوق شهروندی از دیدگاه‌های فلسفی مهم در این حوزه محسوب می‌شوند.

از منظر عملی، ایجاد فضاهای عمومی تعاملی و فراگیر، توسعه زیرساخت‌های دسترس‌پذیر و تقویت نهادهای پاسخگو، از مهم‌ترین راهکارها برای ارتقای پایداری اجتماعی در سطح محله و شهر محسوب می‌شوند. این اقدامات به تقویت حس تعلق، اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی منجر می‌شوند و به کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی کمک می‌کنند. همچنین، رویکردهای معاصر پایداری اجتماعی تأکید دارند که تحقق این مفهوم بدون مشارکت فعال شهروندان، همکاری میان دولت‌ها و مدیریت شهری و هماهنگی با طراحان و برنامه‌ریزان امکان‌پذیر نیست.

تحول رویکردها از شاخص‌های سنتی به شاخص‌های معاصر، نشان‌دهنده پیچیده‌تر شدن فهم ما از شهر پایدار است. در رویکردهای سنتی، تمرکز بر نیازهای پایه‌ای نظیر مسکن، اشتغال و بهداشت بود، اما رویکردهای معاصر به ابعاد کیفی و ذهنی مانند عدالت فضایی، انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و رفاه ذهنی توجه ویژه دارند. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی تنها به تأمین منابع محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم بازتولید روابط اجتماعی پایدار، تقویت حکمرانی مشارکتی و تضمین دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و منابع شهری است.

به طور خلاصه، پایداری اجتماعی هم یک هدف نظری و هم یک ابزار عملی برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. توجه هم‌زمان به ابعاد کمی و کیفی، ادغام سیاست‌ها و طراحی شهری با اهداف توسعه پایدار و مشارکت فعال شهروندان، می‌تواند بستر شهرهای انسانی‌تر، عادلانه‌تر و تاب‌آور را فراهم کند و کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی و عدالت شهری را در طول زمان تقویت نماید.

۴-۱- تعاریف نظری پایداری اجتماعی

اهمیت بعد اجتماعی پایداری به‌ویژه در سطح سیاست به طور برجسته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. گزارش (DETR, 1997) بر ضرورت توانمندسازی تمامی اقشار جامعه برای مشارکت مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری و توجه به تأثیرات اجتماعی این تصمیمات تأکید کرده است (Office of the Deputy Prime Minister (ODPM), 2005). در حالی که دستور کار توسعه پایدار بر اهمیت ابعاد اجتماعی پایداری تأکید می‌کند، توافقی درباره معنای دقیق این ابعاد وجود ندارد. پولس و استرن^۱ (۲۰۰۰) تعریفی از پایداری اجتماعی ارائه کرده‌اند که به شرح زیر است: توسعه‌ای که با پیشرفت هماهنگ جامعه مدنی هماهنگ باشد و محیطی مناسب برای زندگی مشترک گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و همچنین ادغام اجتماعی را با بهبود کیفیت زندگی برای همه بخش‌ها ترویج کند. همچنین، یفتاچل و هچکاک^۲ (۱۹۹۳) پایداری اجتماعی شهری را به‌عنوان «توانایی پایدار یک شهر برای عملکرد طولانی‌مدت و ایجاد محیطی مناسب برای تعامل انسانی، ارتباطات و توسعه فرهنگی» تعریف کرده‌اند. آن‌ها با تأکید بر این‌که بحث پایداری اغلب ابعاد اجتماعی را نادیده گرفته است، چارچوب تحلیلی‌ای را پیشنهاد می‌کنند که سه بعد کلیدی پایداری اجتماعی شهری را شامل برابری، مشارکت و شهرنشینی می‌داند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، بیارت^۳ (۲۰۰۲) بر اهمیت الزامات اجتماعی برای توسعه پایدار جوامع تأکید دارد و بر اهمیت «چارچوب‌های زمانی» و «شرایط اجتماعی» برای عملکرد پایدار سیستم‌های اجتماعی تأکید می‌کند. با این حال، تحلیل او به محیط فیزیکی توجهی نمی‌کند که انتقاد سنتی جامعه‌شناسی را به‌وجود می‌آورد که غالباً از نادیده گرفتن قلمرو فیزیکی و غیراجتماعی رنج می‌برد. دو فاین لیخت و دنالوف^۴، با بررسی انتقادی تعاریف موجود، بر ضرورت هماهنگی درونی، انسجام منطقی، ارزشمندی، کفایت هنجاری و بار اخلاقی تأکید دارند تا پایداری اجتماعی به تعریفی صرفاً فنی یا خنثی تقلیل نیابد.

تمرکز و فرآیند آینده از ویژگی‌های حیاتی در تحلیل و کاربرد پایداری اجتماعی شهری هستند (Partridge, 2005). تمرکز آینده به بهبود عادلانه جامعه برای نسل‌های کنونی و آینده اشاره دارد. در طرفی دیگر اظهار می‌شود که در کنار این ویژگی‌ها پایداری اجتماعی را می‌توان به‌عنوان تضمین رفاه نسل‌های حال و آینده، با به رسمیت شناختن حق هر فرد برای تعلق و مشارکت به‌عنوان عضوی ارزشمند تعریف کرد (Castillo et al., 2007). هولدن^۵ (۲۰۱۲) بر اهمیت این ویژگی تأکید کرده و تعریف «موسسه برنامه‌ریزان کانادا» از پایداری اجتماعی را به‌عنوان «فرآیند توسعه شهری، پشتیبانی‌شده توسط سیاست‌ها و نهادهایی که روابط اجتماعی هماهنگ، افزایش یکپارچگی اجتماعی و بهبود شرایط زندگی برای همه گروه‌ها را تضمین می‌کند» ارائه کرده است. این ابعاد عمدتاً به جنبه‌های کیفی و ارزش‌های اجتماعی توجه دارند: عدالت اجتماعی با توزیع عادلانه منابع و کاهش نابرابری‌ها، مشارکت اجتماعی و دموکراسی محلی با تقویت حس تعلق و مشارکت فعال شهروندان، انسجام و هویت جمعی با تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی با دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، تفریحی و مسکن مناسب مشخص می‌شود. این شاخص‌ها چارچوبی مفهومی برای تحلیل پایداری اجتماعی فراهم کرده و پایه‌ای برای عملیاتی‌سازی در سیاست‌ها و برنامه‌های شهری به شمار می‌روند (Hofstad, 2023).

1 Polese & Stren

2 Yiftachel & Hedgcock

3 Biart

4 De Fine Licht & Folland

5 Holden

مک‌کنزی^۱ (۲۰۰۴) در بررسی خود بر دو جنبه مهم از پایداری اجتماعی تأکید می‌کند: نگرانی زمانی و فرآیند. او جنبه آینده را از طریق در نظر گرفتن «برابری» و «انتقال آگاهی» به نسل‌های آینده بررسی می‌کند. در ارتباط با فرآیند، مک‌کنزی بر «نظام روابط فرهنگی»، «مشارکت شهروندان»، «سیستمی برای انتقال آگاهی» و «حفظ این سیستم انتقال» تأکید دارد. این رویکرد به تأمین شرایط لازم برای پایداری بلندمدت و تضمین دستیابی به برابری و تعامل مثبت در طول زمان متمرکز است (Ghahramanpouri et al., 2013). ادبیات اخیر شاخصه‌های پایداری اجتماعی را در چند محور اصلی معرفی می‌کند: رفاه و کیفیت زندگی (ارتقای سلامت، آموزش و دسترسی برابر به خدمات عمومی)، برابری و عدالت اجتماعی (رفع نابرابری‌های اقتصادی، جنسیتی و قومی)، توانمندسازی و مشارکت اجتماعی (تقویت ظرفیت‌های فردی و جمعی در تصمیم‌گیری‌ها)، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی (ایجاد اعتماد و همبستگی) و پایداری فرهنگی و هویت اجتماعی (حفظ تنوع و ارزش‌های محلی) (Van der Walddt, 2024). در سطح شهری، این شاخصه‌ها شامل عدالت و دسترس‌پذیری، همبستگی و سرمایه اجتماعی و پایداری نهادی است که اجرای سیاست‌ها را از طریق نهادهای پاسخگو تضمین می‌کند (Grande-Ayala et al., 2024).

جدول ۲: تعاریف نظری پایداری اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

نویسنده	عنوان	توضیحات
De Fine Licht, K., & Folland, A. (2024)	Redefining 'sustainability': A systematic approach for defining and assessing 'sustainability' and 'social sustainability'	شاخصه‌های کاربرد زبان عادی، انسجام، ارزشمندی، کفایت هنجاری و عدم اخلاق‌زدایی است
Grande-Ayala, C.E., et al. (2024)	Social sustainability in urban mobility: An approach for policies and urban planning from the Global South	تضمین عدالت، همبستگی اجتماعی و نهادینه‌سازی در محیط شهری
Van der Walddt, G.	Towards a Conceptual Framework for the Social Dimensions of Sustainable Development	بر ابعاد مفهومی و فلسفی توسعه انسانی، عدالت، سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی تأکید دارند.
Ghahramanpouri, A. et al. (2013)	Urban Social Sustainability Trends in Research Literature	تأکید بر نیاز به عملکرد یک شهر به عنوان یک واحد تعاملی و مسائل حقوقی آن
Bacon, E., et al. (2012)	Social sustainability and urban environments	نقشی کلیدی محیط فیزیکی در زندگی مشترک اجتماعی و ارتقای کیفیت
Holden, M. (2012)	Defining social sustainability in urban contexts	هولدن بر اهمیت «فرایند» در پایداری اجتماعی تأکید می‌کند
Ahmed, K.G. (2012)	A study of the Emirati local communities in Al Ain	نیازهای فردی در مفهوم پایداری اجتماعی نیازهای مزلو سازماندهی می‌شوند
Manzi, T., et al. (2010)	The challenges of defining social sustainability	مفهوم پایداری اجتماعی به شدت وابسته به زمینه
Dempsey, N., Brown, M., & Bramley, G. (2009)	The Social Dimension of Sustainable Development: The Role of Social Sustainability in Urban Planning	پایداری و کیفیت زندگی لزوماً مترادف نیستند، کیفیت زندگی پلی بین مفاهیم «شهرسازی» و دستور کار «زندگی‌پذیری»
Castillo, J. A., et al. (2007)	Assessing urban social sustainability: current capabilities and opportunities for future research	حق هر فرد برای تعلق و مشارکت به‌عنوان عضو ارزشمند در جامعه
Littig, H., & Grissler, S. (2005)	Social sustainability: a catchword between political pragmatism and social theory	ناملموس بودن پایداری اجتماعی، رویکردهای چندرشته‌ای، ماهیت چندوجهی پایداری اجتماعی
Omann, I., & Spangenberg, J. H. (2002)	The social dimension of sustainability	«چارچوب‌های زمانی» و «شرایط اجتماعی»
Yiftachel, O., & Hedgcock, D. (1993)	Urban Conflict and Social Cohesion: A Comparative Study of Cities	توانایی پایدار یک شهر برای عملکرد طولانی‌مدت و ایجاد محیطی مناسب

۴-۲- جنبه‌های کاربردی پایداری اجتماعی

مؤلفه‌های پایداری اجتماعی بیشتر بر استفاده از چارچوب‌های اندازه‌گیری تأکید دارند و اصول و ابعاد کلیدی را از طریق شاخص‌ها بیان می‌کنند. این شاخص‌ها می‌توانند شامل معیارهای مثبت، مانند میزان باسوادی، یا منفی، مانند میزان قتل، باشند. باین حال، محققان بیشتر بر جنبه‌های مثبت تمرکز می‌کنند تا پایداری اجتماعی را از طریق چارچوب‌های اندازه‌گیری تعریف کنند (Dempsey et al., 2009; McKenzie, 2004).

تعریف‌های ارائه شده توسط براملی و پاور^۱ (۲۰۰۹) و کولانتونیو^۲ (۲۰۱۰) نمونه‌های بارزی از این رویکرد هستند:

✓ براملی و پاور (۲۰۰۹) این تعریف بر دو مفهوم اصلی تأکید دارد: «برابری اجتماعی» (دسترسی به خدمات، امکانات و فرصت‌ها) و «پایداری جامعه». این رویکرد بر اهمیت دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها در تحقق پایداری اجتماعی تأکید می‌کند.

✓ در سال ۲۰۱۰، کولانتونیو در گزارش خود به تغییر از شاخص‌های مبتنی بر آمار به مجموعه‌های ترکیبی که داده‌های کمی و کیفی را در بر می‌گیرد، اشاره کرده است. این تغییر نشان‌دهنده تلاش برای به دست آوردن یک تصویر جامع‌تر از پایداری اجتماعی با استفاده از داده‌های مختلف است.

این تعاریف به روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری و ارزیابی پایداری اجتماعی می‌پردازند و بر اهمیت استفاده از شاخص‌ها و معیارهای دقیق برای تحلیل این مفهوم تأکید دارند (Ghahramanpouri et al., 2013).

مفاهیم عملی پایداری اجتماعی به‌طور کلی، توافق بر این است که پایداری اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است که به اهداف اجتماعی می‌پردازد. چندین چارچوب برای بررسی پایداری اجتماعی شهری توسط جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان شهری، طراحان شهری، جغرافیدانان و سیاست‌گذاران پیشنهاد شده است. این مطالعات به موضوعات مختلفی از جمله فرم و تراکم شهری، چیدمان و منظر شهری، کیفیت زندگی، رفاه، برابری، عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی، طرد اجتماعی، تعامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سیاسی، دموکراسی، حکومت‌داری، حقوق، نیازها، تنوع کار و آموزش پرداخته‌اند (Dempsey et al., 2011; Littig & Griesler, 2005; Polese & Stren, 2000).

برخی مفاهیم کلیدی که در اکثر چارچوب‌ها مورد توافق قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

✓ برابری: دسترسی برابر به خدمات کلیدی شامل بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل، مسکن و تفریح و فرصت‌های اقتصادی.

✓ کیفیت زندگی و رفاه: ارتقای زندگی روزمره و شرایط رفاهی همه گروه‌های اجتماعی.

✓ انسجام و مشارکت اجتماعی: ایجاد اعتماد، تعامل مثبت بین شهروندان و مشارکت فعال در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری.

در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری، این مفاهیم به اقدامات عملی مانند دسترسی به خدمات عمومی (مدارس، بیمارستان‌ها، حمل‌ونقل عمومی، فضاهای سبز) مرتبط هستند که با نظریه‌های توسعه انسانی و اهداف توسعه پایدار (SDGs) همسو هستند. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی از طریق شوراها، جلسات مشورتی و کارگاه‌های مشارکتی، زمینه‌ساز حکمرانی مشارکتی می‌شود. حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، ایجاد فرصت‌های اقتصادی و شغلی پایدار و تقویت فعالیت‌های جامعه‌محور از طریق برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به تحقق برابری و انسجام اجتماعی کمک می‌کند (Van der Waldt, 2024).

تحقیقات نوین بر قابلیت اجرا، سنجش‌پذیری و کاربرد سیاست‌گذاری تأکید دارند. شاخصه‌های کاربردی شامل دقت و وضوح در تعاریف، سنجش‌پذیری و قابلیت اطمینان در ارزیابی‌ها، سادگی در کاربرد و سازگاری با اهداف جهانی توسعه پایدار هستند. این

1 Bramley & Power

2 Colantonio

ویژگی‌ها تضمین می‌کنند که تعاریف ارائه شده نه تنها از نظر مفهومی دقیق و منسجم باشند، بلکه در عمل نیز قابل ارزیابی و اجرا باشند (De Fine Licht & Folland, 2024).

در عمل، پیاده‌سازی شاخصه‌های نظری به شکل قابل سنجش شامل موارد زیر است:

- ✓ دسترسی به خدمات عمومی: ارزیابی فاصله و دسترسی شهروندان به مدارس، مراکز بهداشتی، حمل‌ونقل عمومی، فضاهای سبز و امکانات رفاهی.
- ✓ مشارکت واقعی: حضور فعال شهروندان در جلسات عمومی، انجمن‌های محلی و فعالیت‌های داوطلبانه.
- ✓ ایجاد فضاهای اجتماعی و عمومی: فراهم کردن فضاهایی برای تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و تفریحی.
- ✓ پایش سرمایه اجتماعی: ارزیابی شبکه‌های اجتماعی محلی، سطح اعتماد و میزان تعاملات مثبت بین افراد.
- ✓ پایش نابرابری و رفاه: جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی برای ارزیابی کیفیت زندگی، دسترسی به منابع و فرصت‌ها و میزان تحقق پایداری اجتماعی (Hofstad, 2023).

این رویکرد عملی، امکان ارزیابی منظم و هدایت سیاست‌ها و برنامه‌های شهری به سمت تحقق اهداف پایداری اجتماعی را فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که اقدامات شهری با اصول برابری، رفاه و انسجام اجتماعی هماهنگ باشند.

جدول ۳: تعاریف کاربردی پایداری اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

نویسنده	عنوان	توضیحات
Van der Waldt, G. (2024)	Towards a Conceptual Framework for the Social Dimensions of Sustainable Development	دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، ایجاد فرصت‌های اقتصادی و تقویت روابط اجتماعی و فعالیت‌های جامعه‌محور
De Fine Licht, K., & Folland, A. (2024)	Redefining 'sustainability': A systematic approach for defining and assessing 'sustainability' and 'social sustainability'	دقت و وضوح، قابلیت اطمینان و سنجش‌پذیری، سادگی و سازگاری با سیاست‌ها و اهداف جهانی که به کاربردپذیری، سنجش‌پذیری و استفاده اجرایی در عمل و برنامه‌ریزی شهری
Hofstad, H. (2023)	Well understood? A literature study defining and operationalising community social sustainability	دسترسی به خدمات عمومی، مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری، ایجاد فضاهای اجتماعی و عمومی، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و پایش نابرابری و رفاه
Sedaghat Nia, S., et al. (2015)	Experience of social inclusion among students in University Campuses of Malaysia	این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازد
Dempsey et al. (2011)	Social Sustainability: A Review of the Literature	به بررسی موضوعاتی مانند فرم و تراکم شهری و کیفیت زندگی پرداخته‌اند
Colantonio, A. (2010)	Exploring the Linkages Between Research, Policy and Practice	مجموعه‌های ترکیبی که شامل داده‌های کمی و کیفی است، اشاره کرده است.
Cuthill, M (2010)	Strengthening the 'social' in sustainable development: Developing a conceptual framework for social sustainability in a rapid urban growth region in Australia	این نویسنده به دموکراسی و حکومت‌داری اشاره می‌کند و بر اهمیت مشارکت مؤثر شهروندان و جوامع در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تأکید می‌کند.
Bramley, G., & Power, S. (2009)	Social Sustainability: A Conceptual Framework	دو مفهوم اصلی «برابری اجتماعی» و «پایداری جامعه»
Littig, H., & Grissler, S. (2005)	Social Sustainability: A Catchword between Political Rhetoric and Scientific Discourse	عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی و طرد اجتماعی تمرکز کرده و نشان می‌دهند که چگونه این موضوعات به پایداری اجتماعی مرتبط هستند.
McKenzie, E. (2004)	Social sustainability in urban areas: A new approach	چارچوب‌های اندازه‌گیری پایداری اجتماعی
Chiu, R. (2003)	Sustainable Development: A New Perspective for Housing Development	نحوه جلوگیری از طرد اجتماعی را بررسی می‌کند.
Polese, M., & Stren, P. (2000)	The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time	بر نیازها و تنوع کار و آموزش تأکید دارند حقوق و فرصت‌های مشارکت در جامعه و به همزیستی گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی

۳-۴- پایداری اجتماعی در طراحی شهری

دو مفهوم اصلی و کلی در هسته پایداری اجتماعی وجود دارد: برابری اجتماعی و پایداری خود جامعه. برابری اجتماعی به مسائل سیاسی مرتبط با عدالت توزیعی منابع در جامعه می‌پردازد و بر دسترسی به خدمات، امکانات و فرصت‌ها تمرکز دارد (Burton, 2003). این مفهوم عمدتاً بر اساس اصول عدالت اجتماعی شکل گرفته است. در مقابل، مفهوم «پایداری جامعه»، ممکن است کمتر مشخص به نظر برسد، اما به‌طور واضح به نگرانی‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی پرداخته و برای دولت‌ها و نویسندگان دانشگاهی اهمیت دارد. در بررسی پایداری اجتماعی در سطح محله، ضروری است که هر دو بعد برابری اجتماعی و پایداری جامعه مورد توجه قرار گیرند (Dempsey et al., 2009).

در بافت شهری، برابری اجتماعی به طرد اجتماعی و محیطی مربوط می‌شود، به‌طوری‌که جامعه‌ای عادلانه است که هیچ نوع تبعیض یا شیوه‌های «انحرافی» مانع مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افراد نباشد (Pierson, 2002؛ Rtlcliffe, 2000). طرد اجتماعی و نابرابری در مقیاس جغرافیایی ممکن است به شکل مناطق محروم و محیط‌های زندگی فقیرتر ظاهر شود که دسترسی به خدمات و امکانات عمومی را کاهش می‌دهد (Kellahe et al., 2004). عدالت سرزمینی به برابری افقی اشاره دارد که به معنای یکسان‌سازی دسترسی به خدمات در مناطق جغرافیایی مختلف است. برای اندازه‌گیری برابری اجتماعی، دسترسی به عنوان یک معیار کلیدی مطرح است (Hutton, 1999). محیط ساخته شده، از جمله خدمات و امکانات کلیدی، مسیرهای حمل‌ونقل عمومی و تسهیلات پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، می‌تواند بر میزان و ماهیت دسترسی تأثیر بگذارد (Macintyre et al., 1993). جنبه‌های مختلف زندگی روزمره که نیاز به دسترسی عادلانه دارند شامل آموزش و پرورش، مسکن مناسب، خدمات عمومی، فضای سبز و فرهنگ و تفریح است (Kay, 2005).

بازتعریف شاخصه‌های پایداری اجتماعی در چارچوب طراحی شهری شامل برابری، شمولیت، تاب‌آوری و امنیت است. برابری به دسترسی عادلانه همه شهروندان به خدمات، فضاهای باز و زیرساخت‌های حیاتی اشاره دارد. شمولیت مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای برنامه‌ریزی و استفاده از فضاهای شهری را تقویت می‌کند و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد. تاب‌آوری به توانایی فضاها برای انطباق با تغییرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی و مقابله با بحران‌ها اشاره دارد. امنیت نیز به ایجاد محیط‌های امن، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای رفاه روانی و اجتماعی شهروندان مربوط می‌شود (Severson & de Vos, 2024).

در سطح عملی، طراحی شهری پایدار بر سه محور کلیدی استوار است: دسترسی‌پذیری، همبستگی اجتماعی و نهادینه‌سازی. دسترسی‌پذیری به معنای فراهم کردن امکان حرکت و استفاده عادلانه از فضاهای شهری برای تمامی اقشار، از جمله افراد کم‌درآمد، سالمندان و افراد دارای معلولیت است. همبستگی اجتماعی از طریق ایجاد فضاهای عمومی مانند میدان‌ها، پارک‌ها و مسیرهای پیاده‌رو و چندمنظوره تحقق می‌یابد و حس تعلق و کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد. نهادینه‌سازی به چارچوب‌های قانونی، مدیریتی و سیاست‌گذاری شفاف اشاره دارد که اجرای پروژه‌ها را به‌طور پاسخگو و پایدار تضمین می‌کند (Grande-Ayala et al., 2024).

شاخصه‌های پایداری اجتماعی در طراحی شهری بر محورهای زیر قابل بازخوانی هستند:

- ✓ رفاه و کیفیت زندگی: ارتقای دسترسی به خدمات عمومی، فضاهای سبز و زیرساخت‌های پایدار شهری.
- ✓ برابری و عدالت اجتماعی: طراحی فضاهایی فراگیر که نیازهای همه گروه‌ها، از جمله اقشار آسیب‌پذیر را پوشش دهند.
- ✓ توانمندسازی و مشارکت اجتماعی: دخالت شهروندان در فرآیند طراحی و تصمیم‌گیری شهری.
- ✓ انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی: خلق فضاهای عمومی تعاملی و فرصت‌های گردهمایی اجتماعی برای تقویت روابط میان افراد.

✓ پایداری فرهنگی و هویت اجتماعی: حفظ تنوع فرهنگی، ارزش‌های محلی و هویت تاریخی در طراحی محیط شهری (Van der Walddt, 2024).

۴-۴- تحول پایداری اجتماعی از دیدگاه‌های سنتی به معاصر

بر اساس معیارهای پایداری اجتماعی، کولانتونیو^۱ (۲۰۰۷) استدلال کرده است که: شاخص‌های قدیمی‌تر معمولاً بر نیازهای اساسی تمرکز می‌کردند، در حالی که شاخص‌های جدیدتر به اهمیت حکمرانی، نمایندگی و سایر عوامل نهادی تأکید می‌کنند.

✓ تغییر در رویکرد شاخص‌ها

✓ تمرکز بر سطح محلی

✓ تغییر در نوع شاخص‌ها

بررسی روندهای اخیر در ارزیابی پایداری اجتماعی نشان می‌دهد که تفاوت قابل توجهی بین «شاخص‌های اجتماعی سنتی» و «شاخص‌های پایداری اجتماعی» وجود دارد. شاخص‌های سنتی که توسط هیئت‌های متخصص انتخاب می‌شوند، بیشتر بر تحلیل ایستا و نتایج اجتماعی تمرکز دارند. در مقابل، روند جدید به سمت مفاهیم نرم‌تر حرکت کرده و حتی موضوعات سنتی مانند پیروی و مهاجرت نیز از منظر کیفی بررسی می‌شوند. به‌عنوان مثال، مهاجرت دیگر صرفاً به تحلیل آماری محدود نیست، بلکه شامل ارزیابی کیفی و میزان ادغام مهاجران در جامعه میزبان نیز می‌شود (Colantonio, 2010). شاخص‌های پایداری اجتماعی مدرن به ویژگی‌های زیر مجهز هستند:

✓ ادغام موضوعات چندبعدی و بین نسلی

✓ انتخاب بر اساس اصول و اهداف پایداری

✓ شاخص‌های فرآیندی

✓ امکان نظارت و ارزیابی تعامل‌پذیر

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که شاخص‌های توسعه پایدار بر موضوعات نرم‌تری مانند رفاه و رضایت از زندگی تأکید بیشتری دارند که پیچیدگی ارزیابی پایداری اجتماعی را افزایش داده است. برای مثال، شاخص‌های توسعه پایدار دولت بریتانیا (۲۰۰۷) شامل معیارهایی برای سنجش رفاه و رضایت از زندگی است، اما موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی، برابری و انسجام را پوشش نمی‌دهد. (جدول شماره ۳)، همچنین، مطالعه پارلمان اتحادیه اروپا (۲۰۰۷) نشان داد که شاخص‌های موجود برای اندازه‌گیری انصاف کافی نیستند و نیاز به توسعه بیشتر در این زمینه وجود دارد (Colantonio, 2010).

جدول ۴: شاخص‌های سنتی در مقایسه با شاخص‌های نوظهور (مأخذ: Colantonio, 2010)

دیدگاه سنتی	دیدگاه مدرن
نیازهای اولیه از جمله مسکن و بهداشت محیط	تغییرات جمعیتی (پیروی، مهاجرت و تحرک)
آموزش و مهارت	اختلاط و انسجام اجتماعی
استخدام	هویت، حس مکان و فرهنگ
حقوق صاحبان سهام	توانمندسازی، مشارکت و دسترسی
حقوق بشر و جنسیت	بهداشت و ایمنی
فقر	سرمایه اجتماعی
برابری	رفاه، شادی و کیفیت زندگی

تحول مفهوم پایداری اجتماعی از رویکردهای سنتی به معاصر، بازتابی از دگرگونی عمیق در درک ماهیت شهر و جامعه است. در رویکردهای سنتی، شاخص‌ها عمدتاً بر نیازهای اولیه نظیر مسکن، بهداشت و اشتغال متمرکز بودند؛ شاخص‌هایی کمی، ایستا و مبتنی بر حداقل‌های معیشتی که بیش از هر چیز به کارکردهای پایه‌ای زندگی شهری توجه داشتند. در مقابل، رویکردهای معاصر بر ابعاد کیفی، ذهنی و چندبعدی تأکید دارند و مفاهیمی همچون انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حس تعلق به مکان، مشارکت مدنی، عدالت فضایی و رفاه ذهنی را در کانون توجه قرار می‌دهند.

این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که تحقق پایداری اجتماعی صرفاً به تأمین نیازهای مادی وابسته نیست، بلکه مستلزم بازتولید روابط اجتماعی پایدار، تقویت سازوکارهای حکمرانی مشارکتی و تضمین دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و منابع شهری است. به بیان دیگر، جابجایی از شاخص‌های عینی و کمی به شاخص‌های ذهنی و کیفی بیانگر پیچیده‌تر شدن فهم ما از «شهر پایدار» به مثابه یک سیستم اجتماعی-فرهنگی پویا است که در آن، کیفیت تعاملات انسانی و انسجام نهادی نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. در نهایت، این تحول مفهومی دو دلالت اساسی دارد: نخست، ضرورت ادغام ابعاد ذهنی همچون اعتماد، رضایت و هویت جمعی در کنار شاخص‌های عینی سنتی؛ و دوم، لزوم هم‌راستاسازی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری با چشم‌اندازهای کلان توسعه پایدار، به گونه‌ای که نه تنها کیفیت زندگی شهروندان ارتقا یابد، بلکه سرمایه اجتماعی به عنوان بنیانی برای تاب‌آوری، عدالت و پایداری بلندمدت شهرها تقویت گردد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی در طراحی شهری مفهومی چندبعدی است که تحقق آن صرفاً با شاخص‌های کمی و مادی امکان‌پذیر نیست. تحقق این هدف مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و کیفی زندگی شهری است. بر این اساس، تقویت مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری، ارتقای عدالت فضایی و دسترسی برابر به خدمات و فضاهای عمومی، افزایش سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد و پیوندهای اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی و محلی از عناصر کلیدی دستیابی به پایداری اجتماعی محسوب می‌شوند.

نتایج این پژوهش هم‌راستا با بسیاری از مطالعات بین‌المللی است، پولس و استرن (۲۰۰۰) و لیتیگ و گریسلر (۲۰۰۵) بر اهمیت انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی در پایداری شهری تأکید داشته‌اند، درحالی‌که دمپسی و همکاران (۲۰۰۹) نقش مشارکت مدنی و روابط اجتماعی را در بهبود کیفیت زندگی شهری برجسته کرده‌اند. همچنین مکنزی (۲۰۰۴) و هافستاد (۲۰۲۳) بر لزوم عدالت اجتماعی و دسترسی عادلانه به خدمات و فضاهای عمومی به عنوان پیش‌شرط‌های اصلی پایداری اجتماعی تأکید دارند. در بعد سرمایه اجتماعی، یافته‌های پژوهش حاضر با دیدگاه‌های ون در والت (۲۰۲۴) و گراند-آیالا و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که اعتماد و شبکه‌های اجتماعی را اساس انسجام پایدار می‌دانند. افزون بر این، توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی در این پژوهش با نتایج یفتاچل و هچکاک (۱۹۹۳) و دو فاین‌لیخت و دنالوف (۲۰۲۴) مطابقت دارد که بر ضرورت توجه به فرهنگ و زندگی عمومی در دستیابی به پایداری اجتماعی تأکید کرده‌اند.

نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک چارچوب تلفیقی و بومی برای تحلیل و ارتقای پایداری اجتماعی در ایران، به ویژه تهران، است. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که عمدتاً بر شاخص‌های کمی و جهانی تمرکز داشته‌اند، این پژوهش با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی ایرانی-اسلامی، سنت‌های جمع‌گرایانه، پیوندهای اجتماعی مبتنی بر خانواده و محله و اهمیت هویت تاریخی و فرهنگی، رویکردی زمینه‌محور ارائه کرده است. این ویژگی موجب می‌شود چارچوب پیشنهادی نه تنها با گفتمان جهانی پایداری اجتماعی هم‌سو باشد، بلکه قابلیت بالایی برای کاربرد عملی در شهرهای ایران داشته باشد و بتواند به عنوان الگویی بومی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی، عدالت فضایی و انسجام اجتماعی گردد. در ایران و به ویژه تهران، پایداری اجتماعی

با چالش‌هایی نظیر نابرابری فضایی و اقتصادی، کمبود فضاهای عمومی با کیفیت، ضعف در نهادینه‌سازی سیاست‌ها و محدودیت مشارکت مدنی مواجه است. با این حال، فرصت‌هایی مانند پتانسیل مشارکت اجتماعی از طریق نهادهای محلی، اهمیت ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در تقویت هویت جمعی و آگاهی عمومی نسبت به عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی وجود دارد. بر این اساس، تحقق پایداری اجتماعی در ایران نیازمند رویکردی جامع است که سیاست‌گذاری کلان و اقدامات محلی را ترکیب کرده، کیفیت فضاهای عمومی را ارتقا دهد، جامعه مدنی را توانمند سازد و هویت فرهنگی را حفظ کند.

۶- منابع

- 1- Ahmed, K. G. (2012). Urban social sustainability: A study of the Emirati local communities in Al A in. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 5(1), 41-66. doi:10.1080/17549175.2012.659515
- 2- Ancell, S., Thompson-Fawcett, M. (2008). The social sustainability of medium density housing: A conceptual model and Christchurch case study. *Housing Studies*, 23(3), 423-442. doi:10.1080/02673030802029990
- 3- Bacon, N., Cochrane, D., & Woodcraft, S. (2012). Creating strong communities: How to measure the social sustainability of new housing developments: *Developing the framework*. London: The Berkeley Group.
- 4- Biart, M. (2002) Social sustainability as part of the social agenda of the European community. In: Soziale Nachhaltigkeit: Von der Umweltpolitik zur Nachhaltigkeit? (ed. T. Ritt), Arbeiterkammer Wien, Informationen zur Umweltpolitik 149, Wien, pp. 5–10. (Retrieved June 2008 from) http://wien.arbeiterkammer.at/pictures/importiert/Tagungsband_149
- 5- Bramley, G., Power, S. (2009). Urban form and social sustainability: the role of density and housing type. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 36(1), 30-48. doi:10.1068/b33129
- 6- Brundtland, G. H. (1987). Our common future: The world commission on environment and development. Oxford: *Oxford University Press*.
- 7- Burton, E. (2003). "Housing for an urban renaissance: implications for social equity", *Housing Studies*, 18(4), 537-562. doi:10.1080/02673030304249
- 8- Castillo, H., Price, A., Moobela, C., & Mathur, V. (2007). Assessing urban social sustainability: current capabilities and opportunities for future research. *The International Journal of Environmental, Cultural, Economic and Social Sustainability*, 3(3), 39-48. doi:10.18848/1832-2077/cgpv03i03/54355
- 9- Chiu, R. L. H. (2003). Sustainable Development: A New Perspective for Housing Development. Paper presented at the 3d National Housing Conference. Retrieved from http://www.nhc.edu.au/downloads/2003/DayTwo/01_ChIU_paper.
- 10- Colantonio, A. (2007). Social sustainability: An exploratory analysis of its definition, assessment methods (Metrics and Tools, OISD (EIB) Working Paper 2007/01). Oxford: Oxford Institute for Sustainable Development.
- 11- Colantonio, A. (2010). Social Sustainability: Exploring the Linkages. doi:10.1680/udap.2010.163.2.79
- 12- Colantonio, A. (2010). Social Sustainability: Exploring the Linkages Between Research, Policy and Practice. Research Coordinator, London School of Economics and Political Science, United Kingdom, Houghton Street, London WC2A 2AE, United Kingdom.
- 13- Colantonio, A. (2010). Urban social sustainability themes and assessment methods. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers: Urban Design and Planning*, 163(2), 79-88. doi:10.1680/udap.2010.163.2.79
- 14- Cuthill, M. (2010). Strengthening the social in sustainable development: Developing a conceptual framework for social sustainability in a rapid urban growth region in Australia.
- 15- Davidson, M. (2009). Social sustainability: a potential for politics? *Local Environment*, 14(7), 607-619. doi:10.1080/13549830903089291
- 16- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2009). The social Acceptability chapter 5 In book: *Sustainable City Form* (pp.105-128).
- 17- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable Development*, 19(5), 289-300. doi:10.1002/sd.417
- 18- DETR (Department of the Environment, Transport and Regions), 1997, *Indicators of Sustainable Development*, Department of the Environment, Transport and the Regions, London. doi:10.1002/eet.391
- 19- De Fine Licht, K., & Folland, A. (2025). Redefining 'sustainability': A systematic approach for defining and assessing 'sustainability' and 'social sustainability'. *Theoria*, 91(1), 45-59. doi:10.1111/theo.12568
- 20- Ghahramanpouri, A., Lamit, H., & Sedaghatnia, S. (2012). Behavioral observation of human stationary and sustained activities in pedestrian priority Streets of Johor Bahru. *Journal of Construction in Developing Countries*, 17(2), 105-116.
- 21- Fadaee Mehrabani, V., & Baniasadi Baghmirani, M. (2025). From Central Courtyard to Spatial Framing: Transformations of Mass and Void in Tehran's Residential Architecture. *Architectural Technologies Studies*, 5(1), e725532. doi:10.22034/ats.2025.725532

- 22- Ghahramanpouri, A., Lamit, H., & Sedaghatnia, S. (2013). Urban social sustainability trends in research literature. *Asian Social Science*, 9(4), 185-193.
- 23- Grande-Ayala, C. E., Marin, M. A., & Rincon-Garcia, N. (2024). Social sustainability in urban mobility: An approach for policies and urban planning from the Global South. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 8(8), 5786. doi:10.24294/jipd.v8i8.5786
- 24- Hofstad, H. (2023). Well understood? A literature study defining and operationalising community social sustainability. *Local environment*, 28(9), 1193-1209. doi:10.1080/13549839.2023.2195620
- 25- Holden, M. (2012). Urban Policy Engagement with Social Sustainability in Metro Vancouver. *Urban Studies*, 49(3), 527-542. doi:10.1177/0042098011403015
- 26- Hutton, JG. (1999). The definition, dimensions, and domain of public relations. *Public Relations Review*, 199-214. doi:10.1016/S0363-8111(99)80162-3
- 27- Kay, A. (2005). Territorial justice and devolution. *British Journal of Politics and International Relations*, 7: 544-560. doi:10.1111/j.1467-856x.2005.00200.x
- 28- Kellaher L, Peace SM, Holland C. (2004). Environment, identity and old age – quality of life or a life of quality? In *Growing Older: Quality of Life in Old Age*, Walker A, Hagan Hennessy C (eds). Open University Press: Maidenhead; 60-80.
- 29- Landorf, C. (2011). Evaluating social sustainability in historic urban environments. *International Journal of Heritage Studies*, 17(5), 463-477. doi:10.1080/13527258.2011.563788
- 30- Littig, B., & Griessler, E. (2005). Social sustainability: a catchword between political pragmatism and social theory. *International Journal of Sustainable Development*, 8(1), 65-79. dx.doi:10.1504/IJSD.2005.007375
- 31- Macintyre S, MacIver S, & Sooman A. (1993). Area, class and health: should we be focusing on places or people? *Journal of Social Policy*, 22: 213-234. doi:10.1017/S0047279400019310
- 32- Manzi, T., Lucas, K., Lloyd-Jones, T. (2010). Social sustainability in urban areas: Communities, connectivity and the urban fabric. Earthscan/James & James.
- 33- McKenzie, S. (2004). Social sustainability: towards some definitions. Hawke Research Institute, Working Paper Series No. 27, University of South Australia, Magill, South Australia.
- 34- Office of the Deputy Prime Minister, ODPM. (2005). Sustainability appraisal of regional spatial strategies and local development documents. London: ODPM.
- 35- Omann, I., Spangenberg, J. H. (2002). Assessing social sustainability: The social dimension of sustainability in a socio-economic scenario. In 7th biennial conference of the International Society for Ecological Economics in Sousse (Sustainable Europe Research Institute (SERI), Tunisia), 6-9 March.
- 36- Partridge, E. (2005). Social sustainability: a useful theoretical framework. Paper presented at the Australasian Political Science Association Annual Conference, Dunedin, New Zealand.
- 37- Pierson J. (2002). Tackling Social Exclusion. Routledge: London.
- 38- Polese, M., Stren, R. (2000). The Social Sustainability of Cities: Diversity and the Management of Change. *University of Toronto Press*.
- 39- Ratcliffe P. (2000). Is the assertion of minority identity compatible with the idea of a socially inclusive society? In *Social Inclusion: Possibilities and Tensions*, Askonas P, Stewart A (eds). Macmillan: Basingstoke, 169-185.
- 40- Sachs, I. (1999). Social sustainability and whole development: Exploring the dimensions of sustainable development. In B. Egon & J. Thomas (Eds.), *Sustainability and the social sciences: A cross-disciplinary approach to integrating environmental considerations into theoretical reorientation*. London: Zed Books.
- 41- Secher, L. K. (2014). Measuring social sustainability in the small-scale built environment. *Université Libre de Bruxelles UNICA, UNICA Euromaster in Urban Studies 4Cities*.
- 42- Sedaghatnia, S., Lamit, H., Abdullah, A. S., & Ghahramanpouri, A. (2015). Experience of social inclusion among students in University Campuses of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 170, 89-98. doi:10.1016/j.sbspro.2015.01.018
- 43- Severson, M., & de Vos, E. (2021). Social sustainability in social and affordable housing. In *Cities and Affordable Housing* (pp. 259-273). Routledge.
- 44- Smith, P. C. (2000). Sustainability and urban design. In W. S. Wong & E. H. W. Chan (Eds.), *Building Hong Kong: Environmental considerations*, 17-42. Hong Kong: Hong Kong University Press.
- 45- Spangenberg, J. H., Omann, I. (2006). Assessing social sustainability: social sustainability and its multicriteria assessment in a sustainability scenario for Germany. *International Journal of Innovation and Sustainable Development*, 1(4), 318-348. doi:10.1504/IJSD.2006.013734
- 46- Van der Waldt, G. (2024). Towards a Conceptual Framework for the Social Dimensions of Sustainable Development. *African Journal of Governance and Development*, 13(2), 113-134. doi:10.36369/2616-9045/2024/v13i2a6
- 47- Yiftachel O, Hedgcock D. (1993). Urban social sustainability: the planning of an Australian city. *Cities*, 10: 139-157. doi.org/10.1016/0264-2751(93)90045-K

Analyzing the Concept and Dimensions of Social Sustainability in Urban Spaces

Zahra Arasian¹, Amir Ghahramanpouri^{2*}, Sepideh Sedaghatnia³

1-Department of Architecture, S.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

z.arasian@iau.ir

2-Department of Architecture, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e Qods, Iran.

(Corresponding Author)

amir.ghahraman@iau.ac.ir

3-Department of Architecture, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e Qods, Iran.

sepideh_ft10@yahoo.com

Received: 29 June 2025

Accepted: 10 September 2025

Extended Abstract

Aims: In recent decades, sustainability has become a fundamental principle in various fields of development, particularly in urban planning and design. While the environmental and economic dimensions of sustainability are frequently emphasized, its social dimension is often overlooked or conceptually ambiguous. Social sustainability plays a crucial role in ensuring justice, cohesion, and long-term community well-being, and numerous studies have highlighted the importance of social participation, equity, and quality of life. Despite this, there is still no clear consensus regarding its precise definition or how it should be measured. Practically, different approaches have been proposed to promote and evaluate social sustainability through both quantitative and qualitative indicators. These indicators ranging from distributive justice and equitable access to services, to social cohesion and political participation reflect the multidimensional nature of the concept. The shift from basic, traditional indicators to context-based and composite ones demonstrates the transition from static analysis to a dynamic, forward-looking assessment of social sustainability in research and policy-making. Given the growing social challenges in urban environments, such as spatial inequality, social exclusion, and declining civic engagement, a deeper exploration of the theoretical and practical dimensions of social sustainability has become increasingly essential. This article aims to analyze the conceptual evolution of social sustainability, identify its key components, and examine their role in urban planning and design with an emphasis on social justice and local quality of life.

Materials & Methods: This study explores the concept and dimensions of social sustainability in urban spaces using a qualitative, descriptive-analytical approach. The research began with an extensive literature review based on credible Persian and English sources obtained from databases such as Scopus, Web of Science, ScienceDirect, Google Scholar, MagIran, NoorMags, IranDoc, and Civilica. A total of 729 studies were initially identified, and after applying inclusion criteria direct relevance to social sustainability and urban design, scientific credibility, publication between 2000 and 2024, and the presence of applicable indicators 152 studies were selected for detailed analysis. Qualitative content analysis was conducted in three stages: open coding, axial coding, and selective coding, through which core concepts, measurement indicators, urban applications, historical developments, and practical case studies were extracted and organized into major dimensions including social justice, participation, quality of life, and social capital. This systematic process enabled the development of a comprehensive and practical framework for assessing and applying social sustainability in urban design. Clear selection criteria and transparent analytical procedures strengthened the reproducibility and reliability of the study, making its findings applicable to urban planning and policy-making.

Findings: Social sustainability, a key dimension of sustainable development, focuses on the interaction between social, economic, and environmental factors and is closely linked to equality, participation, social cohesion, and quality of life. Challenges include unclear definitions and difficulties in measuring intangible aspects like belonging and social cohesion. Achieving social sustainability requires attention to both quantitative indicators, such as access to public services, and qualitative ones, such as social capital and spatial justice. Theoretically, it emphasizes justice, cohesion, local identity, and citizens' rights, providing a conceptual framework for analysis and planning. Practically, it involves creating interactive public spaces, developing accessible infrastructure, strengthening responsive institutions, fostering

active citizen participation, and aligning policies with sustainable development goals. In urban design, equality, inclusivity, resilience, security, accessibility, social cohesion, and institutionalization are key, while modern indicators also address qualitative aspects like spatial justice, sense of place, social capital, civic participation, and mental well-being. This shift shows that social sustainability goes beyond material provision, requiring the reinforcement of sustainable social relationships, participatory governance, and fair access to urban opportunities and resources to ensure long-term quality of life, social capital, and urban justice.

Conclusion: This study shows that social sustainability in urban design is a multidimensional concept that cannot be achieved through quantitative indicators alone and requires attention to cultural, social, and quality-of-life aspects. Key factors include active citizen participation, spatial justice and equal access to public services, strengthening social capital through trust and social ties, and preserving cultural and local identity. The study's innovation lies in offering an integrated, locally grounded framework suited to Iranian cultural values, collectivist traditions, and historical identity, making it practically applicable in Iranian cities. Despite challenges like spatial and economic inequality, lack of quality public spaces, and limited civic participation, opportunities exist through local institutions, cultural and historical values, and public awareness of social justice. Achieving social sustainability in Iran therefore requires a comprehensive approach combining policy-making, improving public spaces, empowering civil society, and preserving cultural identity.

Key words: Social sustainability, urban space, quality of life, social justice, social interactions, urban design.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)